



درباره دین

درباره دین / النور استامپ، آوین پلنتینگا، ویلیام آلستون و... مالک حسینی، فاطمه مینایی، محمد منصور هاشمی و لیلا هوشنگی / هرمس / چاپ اول،

۱۳۸۳



درباره دین، شامل ۱۱ مقاله منتخب از دایرةالمعارف فلسفی راتلیج است که در سال ۱۹۹۸ منتشر شد. مترجمان این اثر نکاتی همچون پرداختن به موضوعات و مسائل جدید، برخورداری از نگاه تاریخی، وسعت نظر، پرهیز از تعصب و نگارش توسط فیلسوفان نامدار را به عنوان معیارهای انتخاب این ۱۱ مقاله ذکر کرده‌اند.

نخستین مقاله با عنوان فلسفه دین که توسط النور استامپ نوشته شده و مالک حسینی آن را ترجمه کرده است درصدد تبیین

حوزه‌های مورد توجه فلسفه دین است و به صورت خلاصه تحولات این شاخه از فلسفه را از آغاز تا اواخر قرن بیستم دنبال می‌کند.

این موضوع در مقاله دوم که تاریخ فلسفه دین نام دارد و به تألیف ویلیام آلستون است، پیگیری می‌شود و بررسی موضوعات اصلی فلسفه دین و مطرح کردن برجسته‌ترین دلایل وجود خداوند از مطالب مورد توجه آن است. این مقاله را محمد منصور هاشمی به فارسی برگردانده است.

مقاله سوم به شاخه‌ای از فلسفه دین که در دوره روشنگری شکل می‌گیرد، می‌پردازد و نقد دین نام دارد. این مقاله که ماتیاس لوتز و باخمن آن را نوشته‌اند، به جریان پدید آمدن این شاخه از فلسفه دین در خلال مباحثات مربوط به سازگاری یا تعارض علم و عقل در قرن هفدهم نظر دارد و در این میان، نظرات لایب نیتس، کانت، هگل و مارکس را مرور می‌کند. مترجم آن نیز محمد منصور هاشمی است.

اگر قرار است که باورهای دینی دینداران عقلاً موجه باشند، باید دلایل یا قرینه‌هایی داشته باشند، این ادعا و دلایل موافقان و مخالفان آن، موضوع مقاله دین و معرفت‌شناسی است که آوین پلنتینگا فیلسوف مشهور آمریکایی آن را

به رشته تحریر درآورده و مالک حسینی ترجمه کرده است.

تجربه دینی پنجمین مقاله کتاب نیز تألیف آلستون و ترجمه مالک حسینی است. فواید تجربه دینی برای فلسفه به عنوان یک منبع شناخت وجود، ذات و فعل خداوند، موضوع این مقاله است که در آن طبیعتاً آرای مخالفان این مفهوم نیز مرور شده است.

مقاله بعدی را هم آلستون نوشته است. یکی از حوزه‌های فلسفی که به ما کمک می‌کند تا گزاره‌هایی را که ادعا می‌شود درباره خداست بهتر بفهمیم، زبان دینی است و آلستون تلاش می‌کند مفهوم زبان دینی و نقش آن در فهم این گزاره‌ها را تبیین کند. فاطمه مینایی مترجم مقاله ششم است. پدیدارشناسی دین، به عنوان یک رویکرد توصیفی به فلسفه دین، موضوع مقاله هفتم و تألیف مرولد وستفال است. در این شاخه از دانش ما در پی تعمیق فهم خود از حیات دینی هستیم و صرف نظر از اینکه درباره صادق یا کاذب بودن گزاره‌های دینی به داور و بحث بپردازیم، درصدد بررسی این موضوع هستیم که پدیده‌های دینی چه وجه مشترکی دارند که آنها را از دیگر پدیده‌های اخلاقی، هنری، علمی یا جادو متمایز می‌کند.

اگر خدایی هست، چطور می‌توانیم دریابیم که احکامش به لحاظ اخلاقی چه شأنی دارند؟ آیا معیارهای اخلاقی‌ای هست که حتی خدا هم ملزم به پذیرش آنها باشد؟ یا این حکم خداست که امری را به لحاظ اخلاقی، الزامی می‌کند؟ این پرسش‌ها و تأثیر دین بر منش اخلاقی، موضوعاتی هستند که نسبت دین و اخلاق را بررسی می‌کنند و ریچارد جی. مو در مقاله هشتم به آنها پرداخته است. مترجم این مقاله محمد منصور هاشمی است.

دین و علم، عنوان نهمین مقاله کتاب به قلم نانس مورفی و ترجمه فاطمه مینایی است. گزارشی از موضوع لیبرال‌ها و محافظه‌کاران درباره نسبت این دو مقوله، موضوع محوری این مقاله است و طی آن نسبت‌هایی چون تقابل، تکامل و برخورداری از دو زبان متفاوت بررسی شده‌اند.

عنوان مقاله دهم، دین و فلسفه سیاسی است که در آن بیشتر نسبت دین و لیبرالیسم مورد بررسی قرار گرفته و نظرات توماس آکوئینی و آگوستین درباره نسبت دین و حکومتداری نیز مرور شده است.

این مقاله را پل وایتمن نوشته و فاطمه مینایی به فارسی برگردانده است. موضوع آخرین مقاله کتاب که فیلیپ کوپین آن را تألیف کرده و توسط لیلا هوشنگی ترجمه شده است، کثرت‌گرایی دینی است. انحصارگرایی، شمول‌گرایی و کثرت‌گرایی موضوعی هستند که در این مقاله تبیین شده‌اند. مباحث این مقاله عمدتاً بر محور مسیحیت است و از زاویه دید مسیحیان به موضوع کثرت‌گرایی دینی نظر می‌افکند.



چالش‌های دین و مدرنیته

چالش‌های دین و مدرنیته / ترجمه و تألیف: سیدحسین سراج‌زاده / طرح
نو/ چاپ اول، ۱۳۸۳

این اثر مباحثی جامعه‌شناختی درباره دینداری و سکولارشدن مطرح می‌کند و از دو بخش تشکیل شده است.

در بخش نخست که بیشتر شامل مطالب نظری است، سه مقاله ارائه شده که دونا ی نخستین ترجمه و سومین مقاله تألیف نویسنده است.

دومین بخش کتاب نیز دو مقاله ترجمه‌ای و دو مقاله تألیفی دارد که متأثر از بخش اول به مطالعات میدانی و کاربردی پرداخته است.

سراج‌زاده در مقدمه کتاب با ذکر تاریخچه‌ای از شکل‌گیری جامعه‌شناسی دین توسط اندیشمندان دوران کلاسیک، به افول این حوزه از جامعه‌شناسی در قرن بیستم و ظهور و اهمیت یافتن مجدد آن در اواخر این قرن اشاره می‌کند.

نخستین مقاله کتاب با عنوان مفهوم سکولار شدن در پژوهش‌های غربی نوشته لاری شایز است که در سال ۱۹۹۶ با هدف تبیین معنا و مفهوم سکولاریسم به نگارش درآمده است. وی در ابتدا به ذکر ریشه‌های تاریخی و لغت‌شناسی سکولاریسم می‌پردازد و در ادامه شش مفهوم قابل استخراج از این واژه را ارائه می‌کند: ۱- افول دین ۲- هم‌نوایی با این دنیا ۳- رهایی جامعه از قید دین ۴-

جابه‌جایی باورها و نهادهای دینی ۵- تقدس‌زدایی از عالم ۶- حرکت از جامعه‌ای مقدس به جامعه‌ای سکولار.

نویسنده ضمن بیان مفهوم هر یک از این شش عنوان، ارزیابی خود درباره آنها را نیز بیان کرده است.

وی سپس با بحثی درباره تعریف دین از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف، به جمع‌بندی نظرات ارائه شده در این مقاله می‌پردازد.

دومین مقاله با عنوان برخلاف جریان: نقد نظریه سکولار شدن، اثری است از پیتر برگر جامعه‌شناس معروف آمریکایی که در سال ۱۹۹۷ به تألیف آن پرداخته است.

برگر در ابتدا به اثرات مدرن شدن بر رفتارهای دینی اشاره می‌کند و تأکید دارد که هرچند مدرن شدن عوارض سکولارکننده‌ای به همراه داشته، جنبش‌های نیرومند ضدسکولاری را هم برانگیخته است. وی در ادامه از جنبش‌های مختلف در ادیان شواهدی نیز ارائه می‌دهد.

نویسنده در این بخش روند احیای اسلامی در کشورهای خاورمیانه را مرور می‌کند و متذکر می‌شود که احیای اسلامی برخلاف آنچه روشنفکران پیشرو فکر می‌کنند، به‌هیچ‌عنوان به بخش‌های کمتر مدرن جامعه محدود نمی‌شود و برعکس این جنبش در شهرهای کاملاً مدرن و به‌خصوص بین کسانی که تحصیلات عالی غربی دارند، نیز قابل مشاهده است.

همچنین وی در این اثر به برخی تفاوت‌ها درباره دینداری آمریکایی و اروپایی اشاره می‌کند.

نکته بسیار مهمی که برگر در این مقاله متذکر می‌شود، این است که: "جنبش‌های دینی می‌توانند برای مردم خشمگینی که گاه خشمشان مبنای دینی هم ندارد، جذاب باشند."

او در پایان مقاله‌اش تصویری نیز از آینده جنبش‌های دینی ارائه می‌دهد.

سومین مقاله با عنوان بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی، که نویسنده با همکاری مهناز توکلی آن را تألیف کرده است، تلاش‌های گوناگونی که برای سنجش‌پذیر کردن اعتقادات و رفتارهای دینی مردم صورت گرفته را به تصویر می‌کشد.

نویسندگان پس از مرور سنجه‌های گوناگونی که وابسته به تعریف افراد از

دین است، نتیجه می‌گیرند که دینداری را به مثابه عرصه بسیار گسترده‌ای از رفتار انسانی نمی‌توان پدیده‌ای تک‌بعدی در نظر گرفت و تنوع جنبه‌ها و جلوه‌های دین باعث شده چندبعدی روی آورند.

نخستین مقاله بخش دوم کتاب سازگاری یا ناسازگاری دین و دموکراسی: تجربه کلیسای کاتولیک نام دارد که میراماردی، پژوهشگر مؤسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه ورشو در سال ۱۹۹۷ آن را تألیف کرده است.

دستمایه اصلی مؤلف در این مقاله اشاراتی است که هانتینگتون در کتاب "موج سوم دموکراسی" درباره نقش کلیسای کاتولیک در جنبش‌های دموکراتیک کره و لهستان مطرح کرده است.

نویسنده پدیده بنیادگرایی را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد و می‌نویسد: "بنیادگرایی دینی را می‌توان به‌عنوان واکنشی به "سرگردانی" عقل مدرن تعبیر کرد" و با بیان اینکه بنیادگرایان، سنت‌گرا نیستند و حتی با دستاوردهای فنی و علمی تمدن جدید نیز مبارزه نمی‌کنند، می‌افزاید: "آنها این دستاوردها را در جهت ایجاد تمدنی نو یا بازسازی تمدنی براساس اصول دینی به خدمت می‌گیرند. به این ترتیب بنیادگرایی به کمونیسم یعنی شکل‌گیری "گریز از آزادی" شباهت دارد."

مسلمانان در بریتانیا: چالش‌های زندگی دینی در یک جامعه فرامدرن سکولار، عنوان مقاله پنجم است از دانیل جولای که جنبه توصیفی دارد و ضمن بیان ویژگی‌های مسلمانان مقیم بریتانیا از لحاظ سن، جنس، نژاد و ملیت، به پاره‌ای فعالیت‌های اجتماعی آنان نیز اشاره می‌کند.

بخشی از مطالب این فصل به تلاش‌های مسلمانان برای گنجاندن مطالب اسلامی در آموزش‌های مدرسه‌ای و توفیقات آنان در این زمینه می‌پردازد.

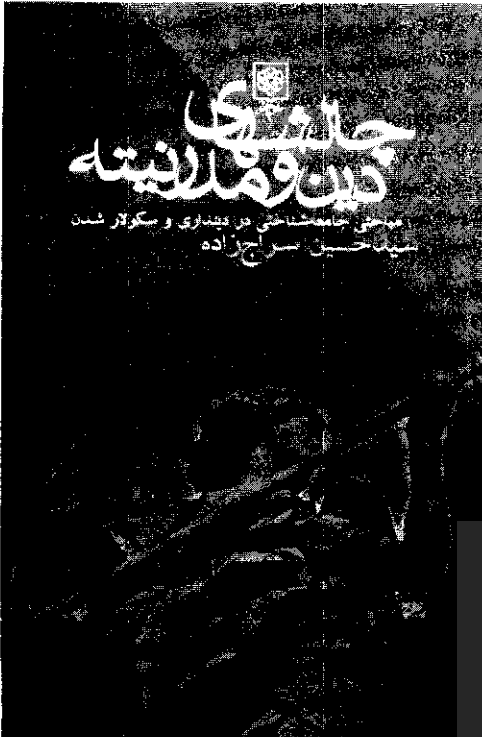
سکولاریسم و سکولار شدن: میراث شریعتی ششمین مقاله است که در آن نویسنده با رجوع به آثار شریعتی و مرور آنها و با توجه به تعاریف شش‌گانه‌ای که از سکولاریسم در نخستین مقاله کتاب مطرح شده، در پی پاسخ به این پرسش است که آیا آثار شریعتی در جهت سکولار شدن جامعه بوده است یا خیر؟

و بالاخره آخرین مقاله کتاب گزارشی است از یک کار پیمایشی درباره نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی که جامعه آماری آن دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان در مناطق ۱، ۶، ۱۲ و ۱۶ تهران بوده‌اند. نتایج حاکی از آن است که الگوی رابطه طبقه اجتماعی و گرایش دینی در جامعه ایران با الگوی جوامع غربی متفاوت است و درحالی‌که در ایران طبقات پایین گرایش بیشتری به دین نشان می‌دهند، در جوامع مغرب‌زمین احتمال گرایش طبقات بالا به دین بیش از طبقات پایین است.

در مورد رابطه جنسیت با دینداری، تفاوت اندکی بین دختران و پسران ملاحظه شده و نمره دینداری دختران کمی بیش از پسران بوده است.

چالش‌های دین و مدرنیته

سیدحسین سراج‌زاده



مورد تحلیل قرار می‌دهد و می‌نویسد: "بنیادگرایی دینی را می‌توان به‌عنوان واکنشی به "سرگردانی" عقل مدرن تعبیر کرد" و با بیان اینکه بنیادگرایان، سنت‌گرا نیستند و حتی با دستاوردهای فنی و علمی تمدن جدید نیز مبارزه نمی‌کنند، می‌افزاید: "آنها این دستاوردها را در جهت ایجاد تمدنی نو یا بازسازی تمدنی براساس اصول دینی به خدمت می‌گیرند. به این ترتیب بنیادگرایی به کمونیسم یعنی شکل‌گیری "گریز از آزادی" شباهت دارد."

مسلمانان در بریتانیا: چالش‌های زندگی دینی در یک جامعه فرامدرن سکولار، عنوان مقاله پنجم است از دانیل جولای که جنبه توصیفی دارد و ضمن بیان ویژگی‌های مسلمانان مقیم بریتانیا از لحاظ سن، جنس، نژاد و ملیت، به پاره‌ای فعالیت‌های اجتماعی آنان نیز اشاره می‌کند.

بخشی از مطالب این فصل به تلاش‌های مسلمانان برای گنجاندن مطالب اسلامی در آموزش‌های مدرسه‌ای و توفیقات آنان در این زمینه می‌پردازد.

سکولاریسم و سکولار شدن: میراث شریعتی ششمین مقاله است که در آن نویسنده با رجوع به آثار شریعتی و مرور آنها و با توجه به تعاریف شش‌گانه‌ای که از سکولاریسم در نخستین مقاله کتاب مطرح شده، در پی پاسخ به این پرسش است که آیا آثار شریعتی در جهت سکولار شدن جامعه بوده است یا خیر؟

و بالاخره آخرین مقاله کتاب گزارشی است از یک کار پیمایشی درباره نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی که جامعه آماری آن دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان در مناطق ۱، ۶، ۱۲ و ۱۶ تهران بوده‌اند. نتایج حاکی از آن است که الگوی رابطه طبقه اجتماعی و گرایش دینی در جامعه ایران با الگوی جوامع غربی متفاوت است و درحالی‌که در ایران طبقات پایین گرایش بیشتری به دین نشان می‌دهند، در جوامع مغرب‌زمین احتمال گرایش طبقات بالا به دین بیش از طبقات پایین است.

در مورد رابطه جنسیت با دینداری، تفاوت اندکی بین دختران و پسران ملاحظه شده و نمره دینداری دختران کمی بیش از پسران بوده است.

نویسنده پدیده بنیادگرایی را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد و می‌نویسد: "بنیادگرایی دینی را می‌توان به‌عنوان واکنشی به "سرگردانی" عقل مدرن تعبیر کرد" و با بیان اینکه بنیادگرایان، سنت‌گرا نیستند و حتی با دستاوردهای فنی و علمی تمدن جدید نیز مبارزه نمی‌کنند، می‌افزاید: "آنها این دستاوردها را در جهت ایجاد تمدنی نو یا بازسازی تمدنی براساس اصول دینی به خدمت می‌گیرند. به این ترتیب بنیادگرایی به کمونیسم یعنی شکل‌گیری "گریز از آزادی" شباهت دارد."

مسلمانان در بریتانیا: چالش‌های زندگی دینی در یک جامعه فرامدرن سکولار، عنوان مقاله پنجم است از دانیل جولای که جنبه توصیفی دارد و ضمن بیان ویژگی‌های مسلمانان مقیم بریتانیا از لحاظ سن، جنس، نژاد و ملیت، به پاره‌ای فعالیت‌های اجتماعی آنان نیز اشاره می‌کند.

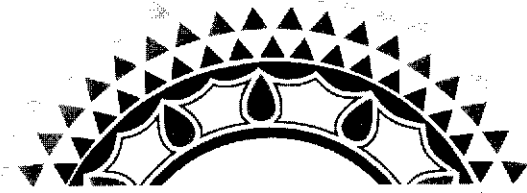
بخشی از مطالب این فصل به تلاش‌های مسلمانان برای گنجاندن مطالب اسلامی در آموزش‌های مدرسه‌ای و توفیقات آنان در این زمینه می‌پردازد.

سکولاریسم و سکولار شدن: میراث شریعتی ششمین مقاله است که در آن نویسنده با رجوع به آثار شریعتی و مرور آنها و با توجه به تعاریف شش‌گانه‌ای که از سکولاریسم در نخستین مقاله کتاب مطرح شده، در پی پاسخ به این پرسش است که آیا آثار شریعتی در جهت سکولار شدن جامعه بوده است یا خیر؟

و بالاخره آخرین مقاله کتاب گزارشی است از یک کار پیمایشی درباره نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی که جامعه آماری آن دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان در مناطق ۱، ۶، ۱۲ و ۱۶ تهران بوده‌اند. نتایج حاکی از آن است که الگوی رابطه طبقه اجتماعی و گرایش دینی در جامعه ایران با الگوی جوامع غربی متفاوت است و درحالی‌که در ایران طبقات پایین گرایش بیشتری به دین نشان می‌دهند، در جوامع مغرب‌زمین احتمال گرایش طبقات بالا به دین بیش از طبقات پایین است.

در مورد رابطه جنسیت با دینداری، تفاوت اندکی بین دختران و پسران ملاحظه شده و نمره دینداری دختران کمی بیش از پسران بوده است.

نویسنده پدیده بنیادگرایی را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد و می‌نویسد: "بنیادگرایی دینی را می‌توان به‌عنوان واکنشی به "سرگردانی" عقل مدرن تعبیر کرد" و با بیان اینکه بنیادگرایان، سنت‌گرا نیستند و حتی با دستاوردهای فنی و علمی تمدن جدید نیز مبارزه نمی‌کنند، می‌افزاید: "آنها این دستاوردها را در جهت ایجاد تمدنی نو یا بازسازی تمدنی براساس اصول دینی به خدمت می‌گیرند. به این ترتیب بنیادگرایی به کمونیسم یعنی شکل‌گیری "گریز از آزادی" شباهت دارد."



بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ

بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ / استوارت ام. هور نات لاندی / مسعود آریایی نیا / سروش / چاپ اول، ۱۳۸۳

این اثر که از چهار بخش تشکیل شده، شامل ۱۹ مقاله است که تعدادی از آنها نخستین بار در سال ۱۹۹۳ در همایش "رسانه، دین و فرهنگ" در دانشگاه ایسلاهی سوییس که در آن محققان مختلفی از کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی و آفریقا حضور داشتند، ارائه شده است. مقالات دیگر نیز در همایش‌های بعدی در کره و استرالیا در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ عرضه شدند. هدف این کتاب ایجاد پیوند میان نظریه‌های دین، رسانه و فرهنگ در مجموعه‌ای منسجم است. نویسندگان کتاب اعتقاد دارند که باید رسانه‌ها، دین و فرهنگ را شبکه‌ای به هم پیوسته در درون جامعه قلمداد کرد و این اثر نخستین گام به سوی درک این پدیده‌ها به شمار می‌رود.

نویسندگان در مقدمه به این نکته اشاره می‌کنند که در حوزه تحقیقات فرهنگی هیچ‌گاه رابطه دین و فرهنگ و رابطه دین و رسانه به‌طور جدی بررسی نشده است و حوزه جامعه‌شناسی هم که مجدانه‌تر از تحقیقات رسانه‌ای به مطالعه دین اقبال نشان داده است، نقش رسانه‌ها را در این زمینه نادیده گرفته یا ناچیز قلمداد کرده است. جامعه‌شناسان دین نیز از منظر نوسازی جامعه بر موضوع دین تأکید و از بزرگ کردن نقش منحصر به فرد رسانه‌ها در مدرنیته و پسمدرنیته پرهیز کرده‌اند و هیچ نظریه عمومی در مورد تحول فرهنگ و دین از طریق رسانه‌ها مطرح نکرده‌اند.

بخش نخست، شامل سه مقاله است که به موضوعات هنجاری-بنیادی درباره بحث کتاب می‌پردازد.

مقاله دوم این بخش مروری است بر ادبیات مکتوب در این زمینه که البته بیشتر معطوف به آثار منتشر شده در آمریکاست، زیرا تحقیقات دینی و رسانه‌ای در این کشور از پیشینه و تخصص قابل توجهی برخوردارند. در ابتدای این مقاله به این نکته اشاره شده که روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و دینداران معتقد، در دو سوی شکاف فرهنگی گسترده‌ای که معلول سوءتفاهم است، میبوهت به هم می‌نگرند. شاید این شکاف ناشی از این واقعیت باشد که آنها با حوزه فرهنگی مشابهی سروکار دارند، یعنی هر دو گروه برای ارائه روایات

و حقایق معنادار، درصدد برقراری ارتباط با مخاطبان هستند و از سرمایه فرهنگی متشکل از نمادها، اصوات و پشمینه واکنش‌های عاطفی و عقلانی مخاطبان بهره می‌گیرند.

مقاله دیگری با عنوان نقش دین و رسانه در ساخت فرهنگ، درصدد پاسخ به این پرسش است که "چگونه امر مقدس که ملازم با وحدت، غایت و تعالی است، در حوزه عمومی که بسیار کثرت‌گرا، غیردینی، سلطه طلب و عمل‌گراست، امکان بروز می‌یابد؟"

بخش قابل توجهی از این

مقاله به فعالیت جنبش‌های بنیادگرایی مسیحی در زمینه تولید برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی می‌پردازد.

آخرین مقاله این بخش مدعی است که یکی از مشکلات اساسی فرهنگ رسانه، فناوری است.

دومین بخش کتاب به بررسی تجربی و پدیدارشناختی اختصاص دارد. مقاله نخست این بخش به تأثیرات متقابل دین و مدرنیته می‌پردازد و راززدایی از عالم به عنوان یکی از نتایج مدرن شدن و کاهش نقش دین را بررسی می‌کند. واکنش‌های برخی از دینداران در برابر مدرنیته در قالب جنبش‌های بنیادگرا بخش دیگری از توصیفات این مقاله است.

بررسی این مطالب در فصل دوم این بخش هم ادامه می‌یابد و نشان می‌دهد که مدرنیته به وعده‌هایش در زمینه آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وفا نکرد، ولی به عهد خود که افسون‌زدایی از جهان بود، به خوبی و تمام و کمال عمل کرد.

ارزیابی مناسب عمومی مذهبی و شبه مذهبی در فرهنگ معاصر در چارچوب نظری رسانه‌ای، موضوع مقاله آخر بخش دوم است که فرآیند رسانه‌ای شدن امور مذهبی را در سطح جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخش سوم معطوف به شیوه‌های مختلف شکل‌گیری دیدگاه‌های دینی معاصر در عصر رسانه‌هاست.

در مقاله‌ای با عنوان تحول دین در عصر همگرایی رسانه‌ای، این پرسش مطرح شده است که آیا شکل‌گیری شبکه جدید ارتباطات الکترونیکی در جهت فروپاشی ساختارهای اخلاقی و غیراخلاقی شدن جامعه و نسبی‌گرایی بوده است یا در جهت اصلاح ساختارهای اخلاقی؟

معرفی شیوه‌های تأثیرگذاری رسانه‌ها بر معنای دین، محتوای فصل دوم این بخش است. در این بخش چند مقاله به صورت عمده بر تلویزیون‌های دینی فعال در آمریکا متمرکز است. تحلیل تلویزیون دینی به مثابه مناسبی مناسب محور یکی از مقالات است.

از آنجا که آیین‌ها و مناسب موجب تکوین و تشکیل جماعت‌های انسانی می‌شوند، توانایی تلویزیون دینی برای پیشبرد ایده و آرمان "جماعت" در میان بینندگان، دستمایه اصلی تهیه مقالات این بخش است.

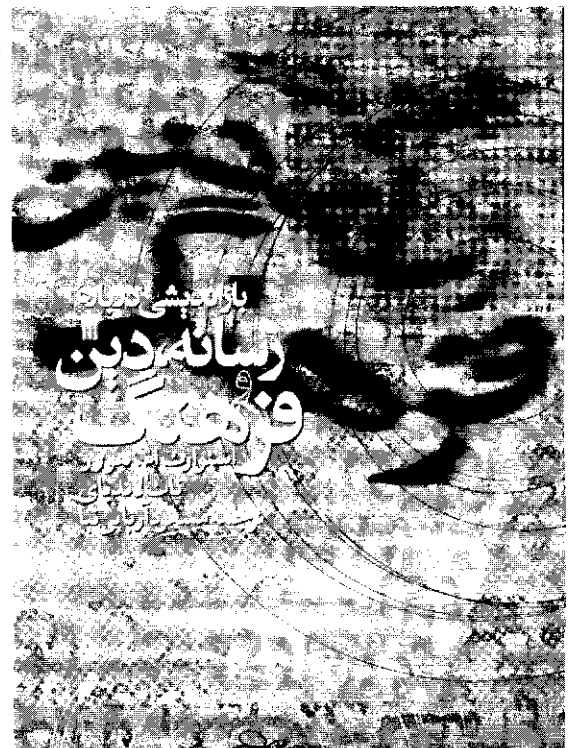
تلویزیون دینی به عنوان عامل پخش نوعی الهیات کالونی موضوع مقاله دیگری با عنوان مقاومت از طریق فرهنگ شفاهی رسانه‌ای است. در این مقاله مفهوم کشیش یا واعظ تلویزیونی نیز مطرح می‌شود، چراکه ناظر بر عملکرد نهاد و ساختاری اداری است که مسؤولان تلویزیون دینی آن را اداره می‌کنند.

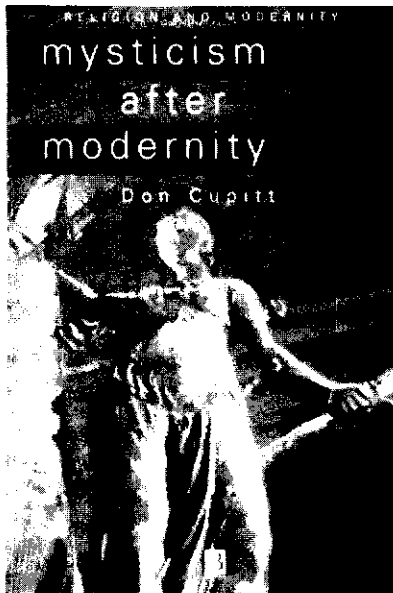
اقتصاد سیاسی کلیسای الکترونیکی در عصر سرمایه‌داری اطلاعات و پیش‌فرض‌های کلیسای الکترونیکی درباره عناصر و اصول ارتباطات، از دیگر مواردی است که در این فصل مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

بخش چهارم درباره اعمال فردی است، در نخستین مقاله این بخش پیوند میان دین و روان‌شناسی و روابط آن با رسانه‌های جمعی مورد توجه است.

روایت‌های فمینیستی از انجیل، موضوع مقاله دیگری از این بخش است، به ادعای این مقاله به‌تازگی زنان در راستای یافتن قاعده و مبنایی برای هویت زنانه خود از طریق زبان انجیل به جست‌وجو برآمده‌اند که نوعی تقابل با کلیشه‌های فرهنگی رایج محسوب می‌شود و نظام‌های سیاسی و فرهنگ‌های دینی پدروسالارانه در برابر آن مقاومت نشان می‌دهند.

مقالات دیگر این بخش نیز در جهت شناخت بهتر دین در عصر رسانه‌هاست که تلفیقی از ادبیات دین‌پژوهی، آیین‌پژوهی و تحقیقات رسانه‌ای را شامل می‌شود.





عرفان پس از عصر تجدد

Mysticism after modernity/Don Cupitt/Blackwell/1999/p.190

کان کیویت (Don Cupitt) در سال ۱۹۴۳ در ایالت لنکاشر (Lancashire) انگلستان زاده شد. در دانشگاه کمبریج علوم طبیعی، فلسفه و الهیات خواند. در ۲۵ سالگی کنشیش شد و در سال ۱۹۶۶ به مقام دانشیاری کمبریج و سرپرست امور مذهبی کالج (Emmanuel College) دست یافت. سرانجام بعد از ۲۵ سال تدریس و فعالیت دانشگاهی و ارائه آثار گوناگون در حوزه دین‌پژوهی، به دلیل تحقیق گسترده در مطالعات دینی بازنشسته شد.

کیویت در کشور ما با کتاب "دریای ایمان" (ترجمه حسن کامشاد، طرح نو، ۱۳۷۶) تا حدی شناخته شده است.

در این کتاب وی کوشیده است نشان دهد که جهان بیرونی، بازنتاب جهان درونی است و بن‌مایه آن در نهانیت اخلاقی است. اگر در بسیاری از جهان‌بینی‌ها، متافیزیک در صدر می‌نشیند و سپس اخلاق به‌سختی جایی برای خود باز می‌کند حقیقت برعکس این است؛ اخلاق باید پیشی جوید و دین راهی است برای نمایاندن ارزش‌های اخلاقی و معنوی به خودمان و تجدیدعهد با این ارزش‌ها. ارزش‌هایی که از طریق آنها به جهان خود شکل می‌دهیم، خود را می‌سازیم و به زندگی مان ثمر می‌بخشیم.

از آثار دیگر کیویت "عرفان پس از عصر تجدد" (Mysticism after modernity)* است. این کتاب دومین اثر شاخص کیویت است که با نگاهی فلسفی و درجه دوم، به توصیف معرفت عرفانی در دوره پست‌مدرن می‌پردازد. به نظر وی اگر معنویت در عرفان قدیم بیانگر نظم پنهانی از یک زندگی درونی بود و عموماً در متن یک سنت جاری تعریف می‌شد در دوره مدرن اغلب "کرون گرایانه" (in trovertive) است و در عصر پست مدرن خصلتی "برون‌گرایانه" (extravertive) دارد. عرفان پست‌مدرنیته برخلاف دوره کلاسیک و دوره مدرن بر پوشیدگی، خفا و رازگونی استوار نشده است و نمی‌کوشد بر مطلق افلاطونی، ورای امور حسی در نیایی بالاتر از واژگان خود را مخفی کند بلکه خود را در معرض بحث و بررسی قرار می‌دهد و کل مکان را رنگ و جلا می‌بخشد و عرضه و حضور خویش را به مثابه فضیلت در نظر می‌گیرد.

کیویت در سراسر کتاب از "عرفان" (معنویت تجربه دینی یا ایمان)، به نام "عرفان ثانویت" (Secondariness) یا "عرفان مرتبه دوم" نام می‌برد و این نام را به‌واقع از تقسیم ثانویت‌گرایی ارسطویی به نام "جوهر اولیه" و "ثانویه" (در تقابل یا جهان‌شناسی افلاطونی در تقسیم جهان معقول و محسوس یا مثل) وام می‌گیرد، اما در واقع در تقابل با آنهاست.

رهافت کیویت در این تحلیل، نگرشی "ناواقع‌گرایانه" (non-realism) است. یعنی چنین نیست که به حسب واژگان به‌کاررفته، باید در پی حقایق خارجی و بیرونی بود. ضعف نگرش‌های عرفانی در دوره کلاسیک و مدرن از همین جا ناشی می‌شده که ورای زبان و تور عقل سیر می‌کرد.

در تلقی ناولق‌گرایی و عرفان ثانوی کیویت یک چیز هست که اولیه است و آن "نیستی" (nothing) است یعنی هیچ چیز "اولیه‌ای" (primary) وجود ندارد. همه اموری که وجود دارند ثانوی‌اند. امر بنیادی، اولی و امتیاز یافته‌ای که آغاز کننده باشد وجود ندارد. نباید با دیدگاهی "عینی و خارجی" (out-There) به امور نگاه کرد. به نظر کیویت (با تأثیرپذیری از وینگشتاین)، همه چیز به "فعالیت‌های زبانی" و جایگاه زبان در شناخت برمی‌گردد. می‌پرسد چرا از فعالیت زبان در آنجا که واسطه میان ذهن و جهان می‌شود، آغاز نکنیم؟ در این صورت است که می‌توان جهان مادی را همچون ساختاری از روبه خارجی زبان و جهان ذهن را به‌عنوان ساختی از سطح درونی زبان در نظر گرفت. در اینجا کیویت زبان را امری ثانوی می‌داند، یعنی زبان ساخته ماست و حال که چنین است هیچ "داده محض" (pure datum) و هیچ "جوهر اولیه‌ای" (primary substance) وجود ندارد و هیچ نیستی مطلقه که همیشه از لحاظ وجودی مقدم باشد در کار نیست و چنین است که مطلق نیستی

امری رئال است و چاره‌ای نداریم که ایده اسطوره‌شناختی در باب اعتبار کامل واقعیت از آغاز تا پایان را کنار نهمیم، زیرا ما به‌خاطر هیچ مبدأ مطلق یا هیچ پایان گذشته‌ای نیامدیم.

به نظر کیویت هر نوع دین و عرفانی که در پی امری "اولیه" باشد "تکاپوی خارج از زمان" است و عرفان ثانویت هوادار "نسبی‌گرایی" (relativism) کامل و آزادی است که با جنبه پرشور همخوان و سازگار است و این عرفان، عرفانی افلاطونی نیست

که باید به‌دنبال تجربه دینی فوق عقل دوید. نمی‌توان برای رسیدن به جنبه ایمانی از "کثیر به‌واحد"، از امور متغیر به امور نامتغیر روح و از امور حسی و پراکنده به امور شهودی و بدون واسطه گام زد. در عصر پست‌مدرن با پایان یافتن متافیزیک‌های یکپارچه‌گرا و تفسیرهای "ثانویت‌گرایی" (dualism) عالم بالا و پایین، دیگر عرفان مسیری لامکان از معرفت شهودی جهان متعالی‌تر نیست. آرزوی طولانی برای رفتن آن سوی جهان، فقط تصور انتزاعی است. آدمی عطش "امور مطلق" را ندارد و عرفان ثانوی در پی آن است که نشان دهد می‌توان بدون شناخت امور مطلق یا واقعیت مطلق، احساس خوشحالی و بهجت کرد.

عرفان ثانویت عرفان منهای هر نوع متافیزیکه عرفان بلون هر نوع شناخت خاص و ممتاز و عرفان بلون رفتن و آن سوی جهان، جز آنکه هسته است. نمی‌توان در تب و تاب امور بنیادی، قطعی و تغییرناپذیر بود. باید به امور تغییرپذیر و فناپذیر قانع باشیم.

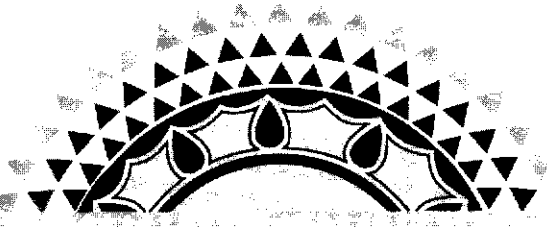
عرفان ثانوی ما را با امور گذرا و در حال تحول همخوان و موظف می‌کند مدام به ارزش‌هایمان بپردازیم و مجدداً تأکید کنیم و دوباره از نو دوست بداریم. بصیرت فلسفی عصر پست مدرن این است که حیات ما به دلیل پایان گذشته یا رفتن به مبدأ مطلق نیست بلکه همیشه در کانون چیزها هستیم و همه چیز ثانوی و مرتبه دوم است. هر چیزی می‌آید و می‌رود. درست است که گزاره‌ها و اخبار دینی خوب و نیک‌اند اما همه چیز ثانوی است و فقط نیستی است که واقعی است. همین نگاه پدیدارشناختی ما به امور ثانوی، امری دینی است.

به نظر کیویت ادعای "حقیقت بیان‌ناپذیر" ادعایی پارادوکسیکال است که گویا اولین بار "پولس" قدیس (رساله دوم قرنتیان ۴:۱۲) آن را وارد سنت مسیحی کرد و بعد از آن "آگوستین" قدیس به آن توجه کرد.

تلاش "عرفان پست‌مدرن" این است که نشان دهد متون عرفانی نوعی "توشتار" (writings) و عارفان "توسندگان ادبی"‌ای هستند که به‌حسب اقتضائات زمانی-مکانی و موقعیت‌های اجتماعی-عرفی، خلاف جریان عرف حرکت کرده‌اند و منویات و اهدافشان را به‌صورت مبهم بر کاغذ نوشته‌اند اما قرائت این متون در سه دوره کلاسیک، مدرن و پست‌مدرن متفاوت بوده است. وقتی انسان مدرن متن عرفانی را می‌خواند فکر می‌کند همه آنچه راجع به تجربه جهان تجربی، حالت یگانه، بی‌زمانی، شناخت بی‌واسطه و نظایر آن گفته می‌شود، به‌صورت "واقع‌گرایانه" (realistic) می‌فهمد در صورتی که همان متن را شخص پست‌مدرن که می‌خواند آن را همچون "ساختی ادبی" از درون سنتی ادبی تلقی می‌کند. عرفان نوعی از نوشتن است و نیازی به کمک "تجربه" (experience) برای توضیح و تبیین آن نیست، به همان نحو که کمدی الهی "دانته" شعری حماسی است، متون رسیده از "یوحنا صلیبی" (John of cross) و دیگر عرفای بزرگ نیز به همین نحو خواهند بود.

تلقی پست‌مدرنیسم از متون عرفانی آن نیست که گویی ابتدا تجربه‌های شناختاری از امور وجود دارد و در مرحله بعد چگونگی ورود به واژگان مطرح می‌شود، بلکه زبان کاملاً تنزل می‌یابد و به‌مثابه امری ثانوی تبدیل می‌شود و تلقی ما نیز چیزی جز ثانویت نخواهد بود.

*نگارنده در حال ترجمه این اثر است.



الامام الشافعی و تاسیس الایدئولوژیة الوسطیة" (قاهره، دارسینا، ۱۹۹۲) و "نقد الخطاب الدینی" (قاهره، دارالثقافه الجدیده، ۱۹۹۲) یا همان نقد گفتمان دینی صورت گرفته بود.

پس از آن کمیته دائمی ارتقای رتبه دانشگاه نیز به نوعی گزارش عبدالصبور شاهین را مورد تأیید قرار داد. گروه زبان عربی دانشکده ادبیات، نظر این کمیته را نپذیرفت و چند روز بعد اعضای این گروه به اتفاق آرا به صلاحیت ارتقای ابوزید رأی دادند. این موضوع با کش و قوس بسیار زیاد در سطوح مختلف تا سطح ریاست دانشگاه قاهره مطرح شد و تعارض میان دیدگاه‌های سنتی و نوگرا چالش‌هایی در پی داشت.

مسأله به اینجا ختم نشد و به منابر مساجد و روزنامه‌ها نیز کشیده شد. به‌علاوه دادخواستی از سوی برخی مخالفان او به دادگاه قاهره ارائه شد که در آن وی را به ارتداد متهم کرده و از دادگاه خواسته بودند حکم به جدایی وی از همسرش، دکتر ابتهال یونس، بدهد. دادگاه از صدور حکم خودداری کرد و خود را فاقد صلاحیت در این خصوص دانست و متذکر شد تنها در صورتی که همسر یا یکی از نزدیکان ذی نفع متهم، چنین شکایتی را مطرح کنند، دادگاه صلاحیت صدور حکم خواهد داشت.

شاکیان در تاریخ ۱۹۹۴/۲/۱۰ درخواست استیناف یا تجدیدنظر کردند و این قضیه یک سال و نیم به درازا کشید. سرانجام ۱۹۹۵/۶/۱۴ دادگاه استیناف نوشته‌های ابوزید را خلاف باورهای اسلامی، قرآن و سنت اعلام کرد و حکم به جدایی ابوزید از همسرش داد.

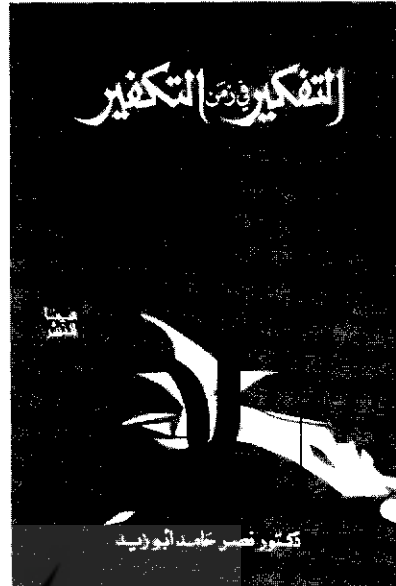
این حکم در محافل و رسانه‌های جهان عرب غوغایی برپا کرد، به طوری که حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر، پا به میدان نهاد و با اعلام اینکه از صدور این حکم یکه خورده است، از قوه قضائیه مصر درخواست رسیدگی فوری کرد. رئیس قوه قضائیه همان روز از دادگاه خواست که به دلیل نبود قانون حسبه در مصر، به طور موقت حکم را به حال تعلیق درآورد.

در این مدت ابوزید از توبه و ابراز هر سخنی که به معنای عقب‌نشینی تلقی شود، خودداری می‌کرد و بر اسلام خود اصرار می‌ورزید. پس از وقفه‌ای طولانی، دادگاه فوق‌العاده مصر طی حکمی اعلام کرد که ارتداد ابوزید همچنان پابرجاست، اما همسر وی طلاق داده نمی‌شود. (۱)

در این میان سازمان الجهاد به رهبری ایمن الظواهری دستیار بن‌لادن در القاعده، دستور ترور او را صادر کرد. ابوزید از آن پس تحت مراقبت پلیس به فعالیت‌های خود ادامه داد و سرانجام به لایدن هلند رفت. وی هم اکنون استاد اسلام‌شناسی مؤسسه INIS دانشگاه لایدن هلند است، در دانشگاه اوتریخت (شهری نزدیک به لایدن) کرسی این رشد و اومانسیم را در اختیار دارد و نیز یکی از اعضای دایرة‌المعارف قرآنی انتشارات بریل هلند است.

کتاب "التفکیر فی زمن التکفیر: ضدالجهل و الزیفة و الخرافة" که ابوزید آن را در سال ۱۹۹۵ منتشر کرد، تحلیل مفصلی از تمامی اتهامات وارده بر شیوه تفکر و شخصیت نویسنده ارائه می‌دهد. (۲) کتاب از دو بخش کلی تشکیل شده است: در بخش نخست، که نزدیک به دو سوم مطالب را دربرمی‌گیرد، تحلیل‌ها، دیدگاه‌ها و نظرات ابوزید درباره حادته تکفیر و آرای مخالفانش مطرح می‌شود و در بخش دوم تحت عنوان ضمیمه اسناد، متن مکاتبات، احکام، دفاعیات و... مورد اشاره یا استفاده در بخش نخست، ارائه شده است.

نخستین بخش که در واقع بخش اصلی کتاب محسوب می‌شود، دارای یک مقدمه، بحثی تحت‌عنوان مقدمات عام و چهار فصل است. نویسنده



علی مرشدی زاد

فکر و کفر

دکتر نصر حامد ابوزید/التفکیر فی زمن التکفیر: ضدالجهل و الزیفة و الخرافة/ القاهره/ دارسینا للنشر، ۱۹۹۵

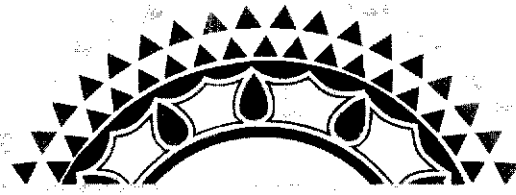
"نصر حامد ابوزید" را در ایران با کتاب‌های "معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن" و "نقد گفتمان دینی" که به فارسی ترجمه شده است، می‌شناسیم؛ اما این نویسنده کتاب‌های دیگری نیز دارد که معرفی آنها به خواننده ایرانی می‌تواند در شناخت بهتر اندیشه‌های این اندیشه‌ورز دینی مفید واقع شود.

زندگی فکری نصر حامد ابوزید، سرگذشت مشترک بسیاری از روشنفکران و نواندیشان دینی در جهان اسلام است که دیدگاه‌هایشان از یک سو با نظم فکری سنتی و مستقر و از سوی دیگر با نظام سیاسی موجود در تقابل قرار می‌گیرد.

ابوزید دهم ژوئیه ۱۹۴۳ در یکی از روستاهای نزدیک به شهر طنطا در مصر متولد شد. در سال ۱۹۶۸ دیپلم گرفت و در رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه قاهره به تحصیل پرداخت. تحصیلات فوق‌لیسانس و دکتری خود را نیز در همین رشته پی‌گرفت و در سال ۱۹۸۱ از دانشگاه قاهره فارغ‌التحصیل شد.

وی که طی ۱۰ سال پس از فراغت از تحصیل به تدریس در دانشگاه‌های قاهره، اوزاکای ژاپن، خرطوم و پنسیلوانیای آمریکا اشتغال داشت، در سال ۱۹۹۲ با ارائه آثار خود، از دانشگاه قاهره درخواست ارتقای رتبه کرد. کمیته ارتقای دانشگاه، کمیته‌ای متشکل از سه استاد- دکتر عبدالصبور شاهین، دکتر محمد عونی عبدالرؤوف و دکتر شوقی ضیف- را مأمور بررسی کرد، اما این کمیته پنج ماه از پاسخگویی خودداری ورزید و یکی از این سه تن، دکتر شوقی ضیف، ضمن درخواست کناره‌گیری، شخص دیگری (دکتر محمودعلی مکی) را به جای خود معرفی کرد.

اعضای کمیته بررسی پس از گذشت هفت ماه سرانجام نظرات خود را اعلام کردند. دکتر محمودعلی مکی و دکتر محمد عونی عبدالرؤوف دیدگاه‌های مثبتی داشتند، اما دکتر عبدالصبور شاهین، آثار ابوزید را انتقادی، گمراه و منحرف ارزیابی کرد. ارزیابی‌ها عمدتاً براساس دو کتاب



در مقدمه متذکر می‌شود که دو فصل نخست فصل‌های اصلی کتاب محسوب می‌شوند، چراکه به موضوع گزارش عبدالصبور شاهین (در فصل اول) و به خواندن میراث عام و گفتمان امام شافعی به‌طور خاص (در فصل دوم) می‌پردازند.

در بخش مقدمات عام که پس از مقدمه و پیش از فصل نخست آمده است، نویسنده برای ورود خوانندگان به فضای بحث، آنها را با سه موضوع مهم که در واقع نقطه انفکاک دیدگاه‌ها و مواضع وی با نظرات مخالفانش است، آشنا می‌کند. عنوان نخستین مبحث اسلام بین فهم علمی و استفاده منفعت‌آمیز است و ضمن آن ابوزید متذکر می‌شود که دعوی موجود میان دو نوع تفکر است. شیوه نخست اسلام را در خدمت مقاصد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود درآورده است و از این روست که در دهه ۱۹۶۰ اسلام شکل سوسیالیستی و ناسیونالیستی به خود می‌گیرد و در دهه ۱۹۷۰ دین صلح و حافظ مالکیت خصوصی می‌شود. شیوه دوم به دنبال فهم و استنباط جوهری از دین و دفاع از تطور و پیشرفت برای استقبال از آینده است. پیروان این دیدگاه از دین دور نیستند و با آن دشمنی ندارند، بلکه می‌خواهند میراث فرهنگی و دین را با هم بشناسند. ابوزید خود را جزء دسته دوم می‌داند که در کتاب‌های خود می‌کوشد در مقابل تلاش‌هایی که برای استفاده منفعت‌طلبانه از دین صورت گرفته است، جوهره و حقیقت اسلام را بشناسد و بشناساند.

در بخش دیگر با عنوان دانشگاه بین نوآوری و حفظ امور ثابت نویسنده به بحث درباره ضرورت دستیابی به مفهوم واقعی تکثرگرایی سیاسی و چرخش قدرت در صحنه سیاسی مصر می‌پردازد و معتقد است دانشگاه‌ها هنوز به آن حد رشد نیافته‌اند که این امر را میسر کنند.

به اعتقاد ابوزید دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود صلاحیت عقلی و فکری آن را دارد که با دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف آشنا شود.

از نظر وی "دانشگاه نقطه آغاز و پایان عقلانیت، آزادی و روشنگری است و از این آینه است که آرای مختلف در حیات اقتصادی، سیاسی و عقلانی جامعه انعکاس می‌یابد... کسانی که از آزادی می‌ترسند خود را پشت نقاب "حفظ وضع موجود" و یا "عدم آمادگی" ذهنی و عقلانی دانشجویان پنهان می‌کنند. (۳) عنوان سومین موضوع که ذیل مقدمات عام بررسی می‌شود، قطب‌بندی فکری میان اسلام روزآمد و اسلامی کردن زمانه در مصر است که نویسنده به بیان این مطلب می‌پردازد که اکنون در جامعه مصر قطب‌بندی نه میان "اسلامگرایان" و "سکولارها"، بلکه بین طرفداران "اسلام روزآمد" و هواداران "اسلامی کردن زمانه" یا به اصطلاح سنت‌گراها در جریان است. وی مظاهر این قطب‌بندی و جدال را در "تقدیس تاریخ در مقابل تحلیل، تفسیر و نقد آن"، "تقدیس پیشوایان دینی و نقطه پایان دانستن اجتهادات آنها، در مقابل پذیرش اجتهادات امروزی" و "تصور آنکه تمامی زمانه، تاریخ، علم و شناخت در متون اصلی نهفته است، در مقابل تلاش برای روزآمد کردن اسلام" می‌داند.

فصل اول کتاب نقدی بر نقض: مبارزه تفکر با تکفیر نام دارد، نویسنده در این فصل ابتدا نظرات محمود علی مکی، عبدالصبور شاهین و گروه ادبیات عرب را درباره کتاب "نقد گفتمان دینی" می‌آورد و سپس این دیدگاه‌ها را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد. سپس به شرح و بسط مفاهیمی مانند سکولاریسم، کفر، ارتداد و نسبت آنها با خود و آثارش می‌پردازد.

فصل دوم کتاب با عنوان مشکلات تحقیق درباره میراث امام شافعی بین فداست و انسانیت کتاب دیگر ابوزید یعنی "امام الشافعی و تأسیس

الایدئولوژیجیه الوسطیه" (امام شافعی و تأسیس ایدئولوژی میانه) و دیدگاه‌ها و ایرادهای موجود درباره این کتاب را محور بحث قرار می‌دهد. پرسش‌های متعددی در این فصل مطرح و به آنها پاسخ داده می‌شود.

ابوزید ویژگی تفکر دینی کلاسیک را "تقلید و تعصب" و ویژگی تفکر دینی کنونی را "نوآوری و تسامح" می‌داند و معتقد است تحقیق وی در کتاب امام شافعی تحقیقی فقهی نیست، بلکه با هدف تحقیق درباره "نظریه شناخت" امام شافعی صورت گرفته است. نویسنده سپس ویژگی‌های معرفت‌شناسانه این نظریه را بیان می‌کند.

در فصل سوم مفهوم تاریخیگری مورد بحث قرار می‌گیرد، نویسنده با بیان دعوی قدیمی میان معتزله و اشاعره درباره قدیم و ازلی بودن قرآن (همانند ذات الهی) و مسأله تعلق فعل خداوند با قدرت الهی و ارتباط این دو با یکدیگر، به بررسی مفهوم تاریخیگری می‌پردازد و مباحث کلامی و نیز زبان‌شناسانه مفصلی در این باره ارائه می‌دهد.

ابوزید قرآن را به‌عنوان یکی از تجلیات کلام خداوند، پدیده‌ای تاریخی می‌داند که بیانگر روح زمانه نزول خویش است. وی در واقع در این فصل به ایرادهای مطرح شده درباره کتاب "مفهوم النص" (معنای متن) پاسخ می‌دهد.

در فصل چهارم که پاسخ‌هایی شتابزده نام گرفته است، نویسنده به بیان دیدگاه‌های مخالف و البته سطحی‌تر برخی نویسندگان و ارباب جراید مبادرت می‌کند و از آنجا که این نویسندگان چندان به بحث عمیق کلامی، فلسفی یا زبان‌شناسانه نپرداخته‌اند، وی نیز به پاسخ‌هایی از جنس جدلی اکتفا می‌کند.

نقد و بررسی

آنچه که در نگاه اول به کتاب جلب توجه می‌کند، لحن تند و کوبنده نویسنده است که در جای‌جای کتاب مخالفان خود را با صفاتی چون جاهل، سبکسر و... مورد حمله قرار می‌دهد.

چنانکه ذکر شد، ابوزید در مقدمات عام میان درک علمی از اسلام و استفاده منفعت‌طلبانه از آن فرق می‌نهد و دیدگاه خود و همفکران خویش را در زمره دیدگاه‌هایی می‌داند که به جوهره دین دست می‌یابند و در پی بهره‌برداری منفعت‌طلبانه از آن نیستند. در عین حال نویسنده طرفدار برداشت روزآمد و عصری از اسلام است. حال این پرسش مطرح می‌شود که روزآمد کردن اسلام بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟ آیا مقصود از آن، استفاده از مفاهیم دینی برای پاسخگویی به نیازهای زمانه (اعم از فردی، اجتماعی و سیاسی) نیست؟ اگر چنین باشد باز شاهد استفاده منفعت‌طلبانه از دین هستیم که در متعالی‌ترین شکل خود به جای پاسخگویی به نیازهای فردی، پاسخگویی نیازهای جمعی است و اگر این برداشت، نگاهی به نیازهای روز یا به اصطلاح "انتظار بشر از دین" نداشته باشد، در این صورت در خلأ سخن می‌گوید و نمی‌تواند مبنایی برای "عصری بودن" خود قائل شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- زندگینامه ابوزید در اینجا تلخیصی است از زندگینامه وی در کتاب معنای متن: پژوهش در علوم قرآن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، صص ۹۲-۴۸۲.

۲- دکتر نصر حامد ابوزید: التفكير فی زمن التكفير: ضد الجهل والزیف والخرافه، القاهرة، دار سینا للنشر، ۱۹۹۵، ص ۱۴.

۳- همان، صص ۲۹-۳۰.

اسامی برخی از مراکز و کتابفروشی‌های ارائه‌دهنده مجله در تهران و شهرستان‌ها

تهران

شهر کتاب	حافظ، خ حافظ شمالی، نبش زرتشت شرقی، تلفن ۸۸۰۶۶۱۸
شهر کتاب	ساعی، خ ولیعصر، جنب پارک ساعی، تلفن ۸۷۱۸۲۰۰
شهر کتاب	شکوفه، خ ۱۷ شهریور، نبش شکوفه، تلفن ۳۷۹۹۰۹۳
شهر کتاب	باهتر، خ نیاوران، چهارراه کامرانیه، تلفن ۲۲۸۵۹۶۹
شهر کتاب	ملت، مجیدیه شمالی، شمس آباد، تلفن ۲۵۱۸۴۸۴
شهر کتاب	نیاوران، خ نیاوران، پارک نیاوران، تلفن ۲۸۰۷۰۱۰
شهر کتاب	هفت چنار، خ هفت چنار، تلفن ۵۷۲۸۷۹۹
انتشارات آگاه	خ انقلاب، روبه‌روی دبیرخانه دانشگاه، تلفن ۶۴۶۷۳۲۳
انتشارات طرح نو	خ خرمشهر، خ نوبخته بین پنجم و هفتم، تلفن ۸۵۰۰۱۳۸
انتشارات توس	خ انقلاب، اول خ دانشگاه شماره یک، تلفن ۶۴۶۱۰۰۷
کتابخانه طهوری	خ انقلاب، بین فروردین و فخر رازی، تلفن ۶۴۰۶۳۳۰
نشر اختران	خ انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن ۶۴۶۲۲۸۲
نشر باغ	خ ولیعصر، مقابل پمپ بنزین باغ فردوس، تلفن ۲۷۱۸۵۵۵
نشر ثالث	خ کریمخان زند، نرسیده به ایرانشهر، تلفن ۸۳۲۵۳۷۷
نشر چشمه	خ کریمخان زند، نبش میرزای شیرازی، تلفن ۸۹۰۷۷۶۶
نشر دارینوش	قلهک، جنب سینما فرهنگ، تلفن ۲۰۰۰۴۰۰
نشر نی	خ کریمخان زند، بعد از میرزای شیرازی، تلفن ۸۹۰۱۵۶۱
نشر و پژوهش فرزاد	خ کریمخان زند، شماره ۱۶، تلفن ۸۳۱۰۲۵۳

شهرستان‌ها

اردبیل	چهارراه امام، کتابفروشی سعدی، تلفن ۲۲۴۸۶۸۵
ارومیه	خ امام، کتابفروشی انزلی، تلفن ۲۲۲۸۳۳۸
اسلامشهر	ایستگاه نوری، محل توزیع نشریات، تلفن ۲۳۴۲۴۴۱
اصفهان	خ چهارباغ، دروازه دولت، فرهنگسرای اصفهان، تلفن ۲۲۰۴۰۲۹
اصفهان	خ باغ گلدسته، کتابفروشی فرهنگیان اصفهان، تلفن ۲۲۱۱۳۳۹
اصفهان	خ آمادگاه، روبه‌روی هتل عباسی، کتابفروشی باستان، تلفن ۲۲۲۷۱۳۹
اهواز	خ حافظ، بین سلمان و سیروس، کتابفروشی رشد، تلفن ۲۲۱۷۰۰۰
تبریز	اول شریعتی جنوبی، کتابفروشی شایسته، تلفن ۵۵۵۲۴۵۸
تبریز	خ ارتش شمالی، شماره ۴۱، کتابفروشی سپهر، تلفن ۵۲۶۳۵۵۲
جزیره کیش	کتابفروشی روحی، تلفن ۴۴۲۰۰۱۴
دزفول	خ طالقانی، نبش هجرت، کتابفروشی رشد، تلفن ۲۲۴۱۰۱۲
زنجان	خ امام، روبه‌روی قدس ۷، کتابکده فرهنگ، تلفن ۳۲۲۴۵۱۶
سمنان	خ امام، نبش پاساژ رسالت، نشر خلاق، تلفن ۳۳۳۳۴۸۷
سندج	خ امام، کتابسرای نوری، تلفن ۲۲۲۶۹۶۲
شیراز	خ صورتگر، کتابفروشی دانش، تلفن ۲۳۰۹۲۶۱
شیراز	تقاطع رودکی و فردوسی، مؤسسه پیغام امروز، تلفن ۲۳۳۳۷۲۶
کرمان	چهارراه ارگ، فروشگاه نوین، تلفن ۲۲۲۲۸۶۴
کرمانشاه	میدان ارشاد اسلامی، سرپرستی روزنامه همشهری، تلفن ۸۳۳۸۰۵۸
قائم‌شهر	میدان طالقانی، کتابفروشی بلال حبشی، تلفن ۲۲۳۱۸۵۹
قزوین	خ خیام، کوچه کلیسا، کتابفروشی مولانا، تلفن ۲۲۲۷۹۷۸
قم	خ حجتیه، شماره ۷۱، کتاب طه، تلفن ۷۷۴۰۵۹۶
مشهد	چهارراه کوی دکتر، مؤسسه انتشارات امام خمینی (ره)، تلفن ۸۴۳۰۱۴۷